

# اوسانه



نوشته: صادق هدایت

نشر الکترونیکی: وب لاگ صادق هدایت

به کوشش و اهتمام: محمد علی شیخ علیا لواسانی

«کودکان افسانه ها می‌آورند،  
درج در افسانه شان بس راز و پند،  
هزل ها گویند در افسانه ها :  
گنج میجو در همه ویرانه ها»  
مولوی

## دیباچه

ایران رو به تجدد میرود ، این تجدد در همه طبقات مردم بخوبی مشاهده میشود ، رفته رفته افکار عوض شده رفتار و روش دیرین تغییر میکند و آنچه قدیمی است منسوخ و متروک میگردد- تنها چیزیکه در این تغییرات مایه تأسف است ، فراموش شدن و از بین رفتن دسته ای از افسانه ها، قصه ها، پندارها و ترانه های ملی است که از پیشینیان به یادگار مانده و تنها در سینه ها محفوظ است. زیرا تا کنون اینگونه تراوشهای ملی را کوچک شمرده و علاوه بر اینکه در گردآوری آن نکوشیده اند، بلکه آنها را زیادی دانسته و فراموش شدنش را مایل بوده اند!

چقدر شاعرانیکه دیوانشان به چاپ رسیده، ولی امروزه کسی آنها را نمیخواند و نمیشناسد- چون طبیعتاً بواسطه تغییر زمان . افکار از اهمیت گفتار آنها کاسته، و همه تشبیهات و کنایات اغراق آمیز آنها بی مزه و خنک شده. اما از طرف دیگر آثار ادبی که دارای فکر نیرومند و ارزش حقیقی است تازگی خود را از دست نداده و روز بروز بر اهمیت آنها افزوده میگردد. البته منظور ما مقایسه نیست ولی همین ترانه های عامیانه که بنظر مسخره آمیز نگاه میکنیم، در صورتیکه هنوز ورد زبان ها است، که خودمان ذر بچگی خوانده ایم و حالا هم دوست داریم که بشنویم- هرگاه زیادی و بیخود بود تا کنون از بین رفته بود پس نکته ای هست که از آنها نگهداری کرده و یا برای اینست که مناسب و بفرخور روحیه مردم درست شده و چون گوینده آنها از توده عوام بوده بهتر توانسته است این کار را انجام بدهد.

برخی از آنها باندازه ای خوب و دلچسب است که نه تنها در یک شهر، یا یک ولایت رواج دارد بلکه در سرتاسر ایران در ده کوره ها و همچنین در شهرهای بزرگ بزبانهای بومی با تغییر جزئی خوانده میشود، مثلاً از «دویدم دویدم .....» سه نسخه مختلف از ولایات ایران در دست داریم و شاید در سایر شهرها هم متداول باشد- چیزیکه آنها را از سایر ترانه ها تمیز میدهد اینست که همیشه یک فلسفه یا فکر اخلاقی در آنها وجود دارد. در همین ترانه ها فکر احتیاج بشرکت و داد و ستد در جامعه بخوبی نمایان است، ولی فرقیکه با پند و نصایح خشک اخلاق نویسان دارد این است که با زبان ساده و طبیعی سروده شده و برای اینکه نتیجه قطعی نگیرد آخرش شلوغ میشود، لیکن تأثیر خود را در فکر بچه میگذارد.

ترانه های کودکانه باندازه ای با روحیه و زندگی بچه متناسب است که همیشه نو و تازه مانده، و چیز دیگری نتوانسته جانشین آنها بشود. در اینگونه ترانه ها بیشتر جانوران دست در کار هستند: حرف میزنند، کار آدمها را میکنند، بازی در میآورند، ولی همه آنها یاقیافه و حرکات خنده دار هستند، از بچه پستی میکنند و هر کدام از آنها فایده ای میسرسانند مثلاً: کلاغ پدر بچه را بیدار میکند و سگ دزد را میگیرد. این ترانه ها طوری ساخته شده که بچه با روح جانوران مأنوس میشود و همه آنها را دوست دارد.

ترانه هائی که عمومیت نداشته یا بمناسبت اشخاص و موقع سروده شده تا مدتی که مطلب تازگی داشته است، در سر زبانها مانده، ولی همینکه تازگی آنها از بین رفته چون ضبط نشده ناچار فراموش کرده اند مانند: «ای سال برنگردی» که براس سال قحطی شصت سال پیش سروده شده و اگر تا کنون مانده برای آنست که هنوز کسانی که در آن سال بوده اند بیاد دارند. بعضی از ترانه های عامیانه متعلق بیک جرگه یا دسته مخصوصی است و تقریباً از مضمون تند و زنده آنها پیداست مثل: «آدم و سمه کنم» این ترانه اثر طبع بازیگران و مقلدهاست که در خیمه شب بازی و پهلوان کچل بمناسبت موقع می خوانند و آنرا نمیشود از جمله ترانه های عامیانه شمرد. دسته ای از این ترانه ها دارای ارزش ادبی است و با وجود مضمون ساده بقدری دل فریب است

مه میتواند با قصائد شاعران بزرگ همسری بکند مانند: «تو که ماه بلند در هوائی» و یا تصنیف معروف: «دیشب که بارون اومد» دارای روح و فکر عشقی است و عاشقان هر چه کوشش میکند از یار چیزی دردستش نمیماند، همان سادگی تشبیهات بر ارزش آن میافاید.

بی شک از مبداء و گوینده این ترانه ها سندی دردست نمیباشد، معلوم نیست شعرای گمنامی آنها را سروده اند و یا از قبیل اشعار بومی است که قبل از اسلام در ایران متداول بوده است، سپس تغییرات کم و بیش یافته و بصورت امروز در آمده چه از مضمون و ساختمان بیشتر آنها بدست میآید که به برخی از افسانه های بومی ایران باستان مربوط میشود (۱)

چیزیکه آشکار است ساختمان این ترانه ها اثر تراوش روح ملی و توده عوام است که بدون تکلف و بدون رعایت قواعد شعری و عروض سروده اند. و مانند اشعار فارسی پیش از اسلام از روی (سیلاب) و اهنگ درست شده. میتوان گفت که برخی از این ترانه های ملی بدون قافیه نمونه ای از طرز ساختمان قدیم ترین شهرهای فارسی و شاید از سرودهای ما قبل تاریخ نژاد

---

(۱) در بسیاری از عادات، مثلها و قصه های امروزه عوام نشان اعتقادات، رسوم و افسانه های ایران باستان بخوبی دیده میشود: هنوز در اغلب شهر های خراسان بعبادت هخامنشیان جشن سده میگیرند و چراغانی میکنند (Spiegel Memorial Volume) مثل معروف: خشک بخشک نمی چسبید، در اوستا آمده «ونیداد هشتم ۳۴» عادت سلام کردن بچراغ، قسم خوردن بسوی چراغ، آدات چهارشنبه سوری و غیره برکه ای از عادات باستان است و قصه سیمرغ و ادها باز مانده افسانه های ما قبل تاریخی ایران میباشد.

آریا ست- جای تعجب نیست که بگوئیم ما قبل تاریخی، زیرا شعر اختراع تمدن نمیباشد بلکه نخستین تراوش روح بدوی است: هنوز خیلی از قبائل وحشی با جملات موزون و شعر مانند، احتیاجات محدود خودشان را بهم میفهمانند، چه شعر زاده احساسات، اسیر لفظ و قافیه است و بهمین جهت هر چه تمدن جلوتر میرود و دایره احتیاجات بزرگتر میشود، از اهمیت شعر کاسته شده بر اهمیت نثر افزوده میگردد که دقیق تر و بیشتر بدرد آثار فکری و علمی میخورد.

مطابق اسنادیکه در دست است، میدانیم که بیشتر تکه های اوستا منظوم بوده و مانند سروده خوانده میشده. در اسناد مذهبی ترسائیان آمده که کلیساهای مسیحی که در ایران بوده از حیث ساختمان نظم سروده و ساز بر سایر جاها برتری داشته. یعنی عده ای از ایرانیان که بکیش مسیحی گرویده بودند، ساز و ترکیب کلیسا را از روی آداب و دین زرتشتی مرتب کرده بودند.

بنا بدستور «سن بازیل» اسقف کاپادوس «سن امبرواز» اسقف میلان، دو نفر هیربد مسیحی ایرانی را بسمت مستشار موسیقی بشهر میلان وارد میکند و آنها به بهترین طرزی اینکار را انجام میدهند بطوریکه طرف توجه عامه میشوند (۱)

«سن اوگوستین» مینویسد که ساز و سرود کلیسای میلان باندازه ای در او تأثیر میکند که بی اختیار اشک از چشمهایش سرازیر میشود (۲).

این تغییر مطابق سرودهای اوستائی زمان ساسانیان بوده است. از طرف دیگری می بینم که آهنگ سروده های اوستا بدون قافیه و مانند همین ترانه های عامیانه است. مثلاً در این نکته از (گاتها) آهنگ جملات آن بخوبی نمایان است:

و هوخشترم وریم

باغم ابی بریستم.

سکيه و ثنای مزدا وهیستم

تت نه نو چیت ورشانه. (۳)

همه اشکال دانشمندان سر اینست که اغلب اشعار اوستا دارای یک وزن و آهنگ معین نیست. یعنی آهنگ هر بیتی ممکن است با دیگری فرق داشته باشد. در این شعر مصراع اول دارای شش (سیلاب)، دومی هفت، سومی هشت و چهارمی هفت (سیلاب) دارد این آزادی قافیه و آهنگ عیناً در ترانه های عامیانه دیده میشود، مثلاً ترانه ذیل دارای همین وزن و آهنگ است:

---

(۱) Mgr. Batiffol-Historie du Breviaire Romain

جناب فادررایس این جانب را دوستانه متوجه این نکته نمودند و در ضمن از ایشان تشکر میشود.

Confession de st. Augustin (۲)

(۳) صفحه ۷۷ Avesta. Par C. de Haelez

هاجسم و واجسم  
تو حوض نقره جسم،  
خانومی بقربونم شد  
نقره نمکدونم شد.

دو نمونه دیگر از قدیمترین شعری که بزبان فارسی سروده شده در دست است که از هین ترانه های عامیانه میباشد. اولی آنها ابیات معروف (ابن مفرغ) است که در حدود سنه ۶۰ یا ۶۴ هجری هنگامیکه او را بدستور خلیفه بند کرده بودند و در شهر بصره میگردانیدند میگفته:

آبست نیذ است  
عصارات ز بیست  
سمیه رو سبید است.

و دیگری را طبری در ضمن حوادث ۱۰۸ هجری مینویسد که (ابومنذر اسد بن عبدالله القسری) به ختلان لشکر کشید و با خاقان ترک جنگ کرد و شکست خرده به بلخ گریخت؛ اهل خراسان برای او این ابیات را ساخته و بچه ها میخواندند:

از ختلان آمدی  
برو تباه آمدی  
بیدل فرار آمدی  
جای دیگر نوشته:  
از ختلان آمدیه  
برو تباه آمدیه  
ابار باز آمدیه  
خشک نزار آمدیه. (۱)

چنانکه ملاحظه میشود در شباهت این ابیات با ترانه های ملی امروزه جای تردید نیست و همین نشان می دهد که توده مردم شیوه و قاعده شعری ایران پیش از اسلام را از دست نداده اند و

(۱) آقای میرزا محمد خان قزوینی مینویسد: «این ابیات اگر چه آنها را شاید از قبیل شعر ادبی بمعنی متعارفی مصطلح نتوان محسوب نمود بلکه ظاهراً از قبیل اشعار عامیانه است که اکنون «تصنیف» گویند ولی در هر صورت نمونه بسیار دلکش غریبی است از این جنس شعر در هزارو دویست سال پیش از این در خراسان. و وزن این اشعار را اگر چه میتوان از بعضی مزاحفات بحر رجز «مطوی مخبون» بر وزن مستفعلن مفتعلن و مفاعلن مفتعلن و مفتعلن مفاعلن استخراج نمود ولی قریب به یقین است که این توافق وزن از قبیل تصادف و اتفاق است چنانکه بعضی از اشعار انگلیسی یا فرانسه را هم مثلاً میشود بطور تصادف بر یکی از بحور عرب حمل نمود.»

مجله کاوه و بیست مقاله قزوینی صفحه ۳۵

(آمدی) که در آخر این بیته ها تکرار شده حکم ردیف را دارد و نباید یا قافیه اشتباه شود. پیدانیست برای اینکه تحقیقات بیشتری راجع باینگونه گنجینه های ملی بشود باید کتاب های مفصل نگاشت و در یک دیباچه مختصر ذکر آن بی مورد است و نیز ناگفته نماند که این کتاب مشتمل بود بر دو قسمت: بخش اول همین ترانه های عامیانه و بخش دوم مجموعه مفصلی راجع به اعتقادات و عادات عوام که امیدوارم پشت بند همین کتاب به چاپ برسد، معلوم است این کتاب دارای نواقصی میباشد و برای گردآوردن همه ترانه های ملی باید در سایر ولایات و دهکده های ایران حتی آنچه سابق بر این جزو ایران بوده کاوش جدی بود. در اینجا تنها ترانه هایی ذکر میشود که اثر فکر عوام است و از درج اشعاریکه بزبان عوام گفته شده و یا تقلید همین ترانه هاست خود داری کردیم. در چاپ دوم کوشش خواهیم کرد که مجموعه مفصل تری با همه اسناد که در دست داریم به چاپ برسانیم و از کسانیکه ما را در این جمع اوری کمک خواهند کرد قبلاً تشکر مینمائیم. در خاتمه از آقای د-بهر روز که مرا در چاپ این کتاب تشویق نمودند نهایت امتنان را دارم و نیز سپاسگزارم آقای جواد کمالیان میباشم که در گردآوری این مجموعه کمکهای گرانبها باین جانب کردند.

تهران- ۱۲ مهر ماه ۱۳۱۰

یکی بود یکی نبود

سر گنبد کبود،	پیر زنیکه نشسته بود.
اسبه عصارى میکرد،	خره خراطى میکرد،
سگه قصابى میکرد،	گر به بقالى میکرد،
شتره نمد مالی میکرد،	پشه رقاصی میکرد،
عنکبوته بمبازی میکرد،	موشه ماسوره میکرد،
مادر موش ناله میکرد،	فیل آمد به تماشا
پاش سرید بحوض شا،	افتاد و دندونش شکس،
گفت: چکنم، چاره کنم،	روم و بدروازه کنم
صدای بزغاله کنم:	اوم اوم اوم به ....!
دنبه داری؟.....نه!	پس چرا میگی: به؟

\*\*\*

گنجشکک اشی مشی،	لب بوم ما نشی،
بارون میاد و تر میشی	برف میاد، گندله میشی،
میافتی تو حوض نقاشی،	کی در میاره؟ فراشباشی،
کی مکشه؟ قصاب باشی،	کی میپزه؟ آشپز باشی

کی میخوره؟ ملاباشی.

\*\*\*

مرغک خوبی داشتم،	خوبش نگه نداشتم،
شغاله آمد و بردش	سر پا نشست و خوردش

\*\*\*

دویدم، دویدم،	سر کوهی رسیدم،
دو تا خاتونی دیدم:	یکیش بمن آب داد،
یکیش بمن نونو داد،	نون و خودم خوردم، آب و دادم بزمین:
زمین بمن علف داد،	علف و دادم به بزی،
بزی بمن پشکل داد،	پشکل و دادم به نونوا،
نونوا بمن آتیش داد،	آتیش و دادم به زرگر،
زرگر بمن قیچی داد،	قیچی را دادم به درزی،

درزی بمن قبا داد،  
بابا بمن خرما داد.  
گفتم: بابا خرما بده  
قبا را دادم به بابا،  
یکیش و خوردم، یکیش افتاد بزمین،  
رد تو کلام، افتاد تو باغچه،  
رفتم کلام و بیارم:

آتیش به پنبه افتاد  
سگ یه شکنجه افتاد  
گرچه به دنبه افتاد (۱)

\*\*\*

قورباغه میگه من زرگرم،  
هاجسم و واجسم  
نقره نمکدو نم شد  
طوق طلا بگردنم،  
تو حوض نقره جسم،  
خانمی بقربونم شد.

\*\*\*

سگه واق واق میکنه،  
خره عرعر میکنه،  
رقیه رق میزنه،  
کلاغه غارغار میکنه  
گرچه پیاز داغ میکنه،  
دنبشو یه ور میکنه،  
سرشو بصندوق میزنه،  
آقارو بیدار میکنه.

\*\*\*

کلاغه میگه:- من غار و غار میکنم واست،  
گنجشکه میگه:- من جیک جیک میکنم واست،  
خره میگه:- من عروعر میکنم واست،  
سگه میگه:- من واق واق میکنم واست،  
آقا رو بیدار میکنم واست،  
تخم کوچیک میکنم واست،  
پشکل تر میکنم واست،  
دز و بی دماغ میکنم واست.

\*\*\*

خورشید خانوم افتو کن  
ما بچه های گرگیم  
یه مش برنج تو او کن:  
از سرمائی بمردیم.

\*\*\*

(۱) زن یشید آب میکشید،  
نخوردم و نخوردم  
نون و پنیر پیشم کشید،  
از در خونه درم کشید.



گفتم: قورباغه دماغت چاقه؟  
گفتم: لاک پشت قرت مارو کشت!  
گفتم: مارمولک عیدت مبارک!

\*\*\*

بابای منو تو دیدی؟  
کلنگی دوشش بود

آبی ته دولش بود.

\*\*\*

سگه میگه بدو بیو،  
ماهپای توش کوره،  
حالا که بابا بیرونه،  
بره چاق داره.

بچه ها بیائین دس بزیم،  
داروغه چکار داره؟

\*\*\*

دیدم سواری تنها،  
گفتا: سوار یل،  
گفتا: کتاب پر غزل،  
گفت: آسمان آراسته  
مهتاب خوشست،  
میرویم پیش خدا،  
صد هزارت یکنام،  
مرغ سیمرغی بودم،  
بر زمین سر میزدم  
اون در و واکن آش بیاد.

مرد قزلباش بیاد.

\*\*\*

هنبونه را بسیم بر شونه،  
سلام علیکم هنبونه،  
آرام جانم هنبونه،

رفتم بصحرا دیدم قورباغه،  
رفتم بصحرا دیدم لاک پشت،  
رفتم بصحرا دیدم مارمولک،

گنجشکک الیلی  
بله بله من دیدم:

گر به میگه: میو میو،  
آب چشمه هک شوره،  
حالا که بلبل میخونه،  
حسنی که باغ داره،

رفتم بسوی صحرا،  
گفتم: سوار میستی؟  
گفتم: چه داری در بغل؟  
گفتم: بخون تا گوش کنم،  
آفتاب خوشست،  
میزنم طبل علا،  
ای خدای خوشنام،  
کاشکی من مرغی بودم  
در هوا پر میزدم،  
این درو واکن آش بیاد،

هنبونه جونم هنبونه  
رفتیم آسیاب دود ندونه،  
دردت بجونم هنبونه،

کی هنبونه رو میجنیونه؟  
موش رفته تو هنبونه،  
خودش میگه رفیقم،  
ای هنبونه، ای هنبونه،

نمیدونم چرا می لنبونه!  
سرش و اونجا می جنبونه،  
اما منو میترسونه،  
دردم بجونت هنبونه!

\*\*\*

سوار این لاک نمیشم،  
سوار لاکزاده میشم،  
دروازه نگین داره  
عنبر بساییم ما  
ای شاه کمر بسته  
خواهرش بالا خونه

سوار اون لاک نمیشم،  
تا دم دروازه میرم:  
قلف عنبرین داره،  
دور او بگردیم ما.  
خنجر طلا بسته،  
تنبون قرمزی پاشه،

بند قرمزی پاشه!

\*\*\*

یخ کردم و یخ کردم  
گره زن عموم شد

گره رو تو مطبخ کردم،  
دم پختکها تموم شد!

\*\*\*

شاشو شاشو شرمنده،  
دور حیاط میگرده؛

جارو به دمبش بنده  
بچه ها بیاین تماشا

شاشو زده به حاشا!

\*\*\*

الک را و دولک رو  
گیلک کناره داره  
شاخانم تبرزی

برسنگ بزن گیلک رو،  
شاه نقاره داره،  
انگشترش بلرزی.

\*\*\*

نون و پنیر پسه  
دسمال شا سوخته شده  
این درو واکن فریدون  
قالی رو بکش تو ایوون  
اسم بابام مموته  
پیرهن زرد خالا

بربریهها نشسه،  
از گلابتون دوخته شده،  
اون درو واکن فریدون،  
گوشه قالی کیوته،  
مموت بالا بالا،  
انگور بچین و شراب کن

بشین و زهر مار کن

وقتی که میری به باری

نکنی روده دارزی.

\*\*\*

کچل کچل کلاچه

روغن کله پاچه

کچل رفته به اردو

برای نصف گردو

گردو رو آبش برده

کچله رو خوابش برده

\*\*\*

کچلا جمع شویم تا برویم پیش خدا

یا علاج سر ما کن، یا بزن گردن شاه مگسا.

جینگیلی کچل ... جینگیلی کچل ...!

\*\*\*

رفت در باغ دو در

چیدم دو تا ترکه تر،

زدم به کله کچل:

زفت از سرش ور آمد

جیغ و دادش در آمد.

\*\*\*

بارون میاد قلقلچی

تو جیب بابام پر نخوجی.

بارون میاد ریزه ریزه

تو جیب بابام پر فیروزه

\*\*\*

بچه ها دس بز نیم یا بز نیم موش .... داره،

بزیر .... اش چارپایه داره!

\*\*\*

فرش اطاق خاله

پشم تن بزغاله

شم اطاق خاله

از پی پای بزغاله

مرواری پای خاله

دندونای بزغاله

جاروی اطاق خاله

از ریشای بزغاله

مهمونیای خاله

از دولت بزغاله

\*\*\*

خاله خاله

آشت کاله

در خونتون

قال مقاله

\*\*\*

گل لاله رو چه کردی؟	دختر خاله رو چه کردی؟
بدورهم پیچیدم	سر نخارو کسر چیدم
یتوی طاقچه چیدم	
واسم جوراب بچینه	نم بیاد ببینه
***	
اوسای بنا ساخته	این کوچه را کی ساخته؟
با چوب نعنا ساخته.	
***	
همه چادر بسر مثل کبوتر	ازون بالا میاد یک گله دختر
همه چادر بسر سینه بلوری	ازون بالا میاد یه دسه حوری
***	
پس چرا حنا نبسی؟	عدس عدس عدسی
قیمت زعفرون بود؟	مگه حنا گرون بود
***	
دیدم ابولی اونجا نشسته	رفتم در باغ در شکسته
گفتا بخدا سناری گم شد!	گفتم: ابولی روغن چطو شد؟
***	
با هم بریم تو خونه	بچه ها بگیریم بونه
ننه ننه گشمنونه	نون و پنیر و پونه
***	
اسبت و بکش تو میدون	فریدون
خانمی میخواد سوار شه.	پیا کسی نباشه
***	
تخمه بو میداد	ای داد و بیداد
بمن نمیداد	بهمه میداد
پوساشو داد	وقتیکه داد
باو ندادم	منم بو دادم
پوساشو دادم	وقتیکه دادم
***	
فاطمه گم شده رقیه بجاشه	کفدر بهوا زنگوله پاشه

این چیه؟ پوس بره

بزن تا بادش دره!

\*\*\*

راسی؟

جون خاله ماسی؟

تو بودیکه ماس میخواسی؟

چارقد گارس میخواسی؟

یه دس لبای میخواسی؟

\*\*\*

هليله و بلیله

روغن میخ طویله

کاسه سرکه شیره.

\*\*\*

آفتاب زده گلی گلی

قد قد مرغ کاکلی

تخم سفید میداره

جوجه شو در میاره.

ما سنگزن سینه زن آمورچه خانیم

حلوا شله زرد خوب می چپانیم

\*\*\*

تلنبه

گوشت و پیاز و دنبه

گوش نمیخوام دنبه میخوام

یه زن کون گنده میخوام.

\*\*\*

الحمدش کشکی

مردک آب زرشکی

ایبای نصفه کاره

انجیل پاره پاره

قل قل قله و ولا

یه عمله دو بنا

قل هو ولا و صمد

موشه رفت لای نمد،

میزنه جفتک و لقد

الا، بلا کفواً احد.

\*\*\*

قوری لب طلائی

نه قند داره نه چائی

عروس باین کوتائی

دوماد باین سیائی

هر دو بهم میائی!

\*\*\*

تبت یدا ابیله

آخوند و بیر طویله

کاهش بده، جوش بده، نمیره

\*\*\*

الف، ب تترسن

ریش آخوند .... حسن



زنگ مدرسه  
ناظم بپا پیش  
یک قدم جلو  
مش غلامحسین زنگ و بزن  
فردا تعطیله  
صبح زود بپا  
فردا مرخصی .

یک، دو، سه  
چار، پنج، شیش  
هفت، هشت، نه  
ان، لن، کی و اذاً  
فیتیله  
لوبیا  
عدسی

لالائی

گدا آمد در خونه	لالا، لالا گل پونه
خودش رفت و سگش آمد	نونش دادیم بدش آمد
تو درمون دلم باشی	لالا، لالا گلم باشی
بخوابی از سرم واشی	بمونی مونسم باشی
بابات رفته خدا همراهش	لالا، لالا گل خشخاش
ننه ات آمد سر صندوق	لالا، لالا گل فندق
بابات رفته کمر بسه	لالا، لالا گل پسه
چرا خوابت نمیگیره؟	لالا، لالا گل زیره

که مادر قربونت میره.

\*\*\*

صدای کفش پاش میاد	دس دسی باباش میاد
با هر دوتا ممه اش میاد	دس دسی ننه اش مشاد
با جیب پر لیموش میاد	دس دسی عموش میاد
گره مندیلشو می بس	دس دسی دس دس و دس

خونه قاضی ور میجس

باد زیر دندش میگرفت!	قاضی خندش میگرفت
----------------------	------------------

\*\*\*

چاشت بندی قلمکار	کلاغه میگه: غار غار
(نچ) حالا زوده (نچ) حالا زوده.	پسر کی میره سر کار؟

\*\*\*

اسبب و کجا می بندی؟	بهرام خان قندی
داغت و نه بینه خالو.	زیر درخت آلو

\*\*\*

دیشب کجا میگشتی؟	بهرام خان درشتی
داغت و نینم هر گس!	زیر درخت نرگس

\*\*\*

اونوقت که روی تختی	قربونت میرم یه وقتی
--------------------	---------------------

قربونت برم چه میشه؟

انار طاقچه میشه

میافته پاره میشه

آبش پیاله میشه

خوراک خاله میشه

\*\*\*

بقربون سر تو

شیکر بار خر تو

خودم خرتو میروم

بمنزل میروم

\*\*\*

من قربون و من قربون

مرغ جوجه دار قربون

اشتر با قطار قربون

دیگ حلقه داره قربون

تا یه با باباش قربون

خواهر شوهراش قربون.

\*\*\*

قربون سرت سرها

کوچه ها نری تنها

بچه های کوچه دزن

گردن طلا تو میدزن.

\*\*\*

خانوم خانوما میزام

خانوم دخترا میزام

چرا نزام یه دختری

سوار بشم بر استری

جلو بیفته نوکری:

پس بروین، پیش بیائین

مادر خانوم آمده؟

\*\*\*

چرا بزام یه پسری

تا بشینم پشت دری

هی بکشم جور خری

سوار بشم کره خری!

جلو بیفته مهتری

از درکه تو پیام بگن:

مزوری، حيله گری، جادوگری؟

\*\*\*

چه دختری، چه چیزی!

دست میکنه تو دیزی،

گوشتاشو در میاره،

نخوداشو جا میذاره!

\*\*\*

به کس کسانش نمیدم

براه دورش نمیدم

بمرد پیرش نمیدم

شا بیاد با لشکرش

برای پسر بزرگترش

آیا بدم؛ آیا ندم!..



\*\*\*

بله خاله جون  
تو زنبیل  
یه غریبل  
حنا شد  
دس عروسه  
توی حمومه

خاله خاله جون  
مرغه کجاس؟  
چن تا تخ داده؟  
تخماش چتو شد؟  
حناش کجاس؟  
عروس کجاس؟

آب حموم دیگه تمومه.

آب حموم و شتر خورد  
پای چنار  
بلگ چنار.

آب حموم چتو شد؟  
شتره کجاس؟  
چی چی میخوره؟

\*\*\*

تو که ماه بلند در هوائی  
منم ستاره میشم دورت و میگیرم  
تو که ستاره میشی دورم و میگیری؟  
منم ابری میشم روت و میگیرم  
تو که ابری میشی روم و میگیری  
منم بارون میشم تن تن میبارم  
تو که بارون میشی تن تن میباری؟  
منم سبزه میشم سر در میارم  
تو که سبزه میشی سر در میاری؟  
منم گل میشم پهلوت میشینم  
تو که گلی میشی پهلوم میشینی؟  
منم بلبل میشم چه چه میخونم.

\*\*\*

پنجم پنجه پیره  
سوم سه نهرا به  
یکم یک گل خاره

شیشم شیشه عمره  
چارم چارپایه داره  
دوم دو زلف یاره

\*\*\*

توی طبقه نقره کنیم

این شیش تارو قلیه کنیم

بیریم پهلوی یار

او بخوره ما چه کنیم؟

\*\*\*

آب اومد، آب اومد

کدوم آب؟

همون که تش خاموش کرد

کدوم تش؟

همون که چوب سوزونده

کدوم چوب؟

همون که سگ رو کشته

کدوم سگ؟

همون که مرغ و خورده

کدوم مرغ؟

اون مرغ زرد پا کوتا

سینه یرخ دم طلا

سیاه و سفید گل باقالا

صد تمن دادن ندادمش

اون سگه مفتی بردش

سر پا نشس و خوردش!

\*\*\*

دیشب نبودی خونه

دز رفته بالا خونه

کک برده و مک برده

یه جفت توله سگ برده

داماد با لحاف برده

عروس با دشک برده!

بازیها

روی پای بچه ها زده این ترانه را میخوانند و هر کدام بنوبت پایشان را کنار میکشند، کسی که پایش بکاند باخته است:

اتل متل توتوله	گاب حسن کوتوله
نه شیر داره نه پسون	شیرش و بیر کردسون
یه زن کردی بسون	اسمشو بزار:ستاره
واسش بزق نقاره	یه چوب زدم به بلبل
صداش رفت استنبیل	استنبلم خراب شد

بند دلم کباب شد؛

هاچین و واچین	یه پاتو ورچین
---------------	---------------

\*\*\*

اتل متل توت متل	پنجه شیر مال شیکر
خانم کجاس؟	تو باغچه
چی چی میخوره؟	آلوجه
برای کی؟	برای دختران کوچه
کی برود، کی نرود؟	غلام سیاه پیش برود.

\*\*\*

.....	چی چی میچینه؟ آلوجه!
آلوجه سه گردو	خبر بردن به اردو
اردو سلندر شد	کفش بگم تر شد
بگم بگم حیا کن	از سوراخ در نگاه کن.

\*\*\*

کف دست بچه را قفلک میدهند و از انگشت کوچک او شروع کرد همیگویند:  
لیلی لیلی حوضک.

۱- گنجیشکه آمد آب بخوره افتاد تو حوضک؛

۲- این دوید و درش کرد

۳- این ماچی بر سرش کرد

۴- این نازی بر پرش کرد

۵- شست، این کله گندم آمد

گفتش بده بینم ،  
همینکه دادن بینه،  
گنجیشکه پرید رو چینه.

\*\*\*

۱- این کوچول کوچوله، ۲- این ننه کوچوله، ۳- این عبا بلنده، ۴- این قبا بلنده، ۵- اینم کفش دوز  
گنده.

۱) این گف بریم به صحرا

۲) این گف چی بیاریم؟

۳) این گف گون بیاریم

۴) این گف که گرگه اون جاس

۵) این کله گنده گفتا:

هستم شما را همرا

از کی دیگر میترسین؟

\*\*\*

**دست های بچه را گرفته به جلو و عقب می برند و می گویند:**

یه من کره نباتی

مشکی، دوغی، هراتی

پیرهن نو بپوشیم .

ببریم بازار بفروشیم

\*\*\*

چند نفر بچه دور هم نشسته انگشتشان را روی گل قالی میگذارند، اوسا میگوید: «اوسا بدوش، زن  
اوسا ندوش- کلاغ پر، گنجشک پر...» بچه ها دستشان را بلند می کنند ولی هر گاه اوسا نام جانور  
یا چیز دیگری را ورای پرنده بگوید کسی که دستش را بلند بکند مثلاً بگوید: «گاو پر ..!» آنوقت  
او را به پشت خم کرده و با کف دست به پشتش زده میگویند:

شیشه پر پنیر

تپ تپ خمیر

توتک فطیر

پرده حصیر

دس کی بالاس؟

این کار تکرار میشود تا بچه که خم شده درست حدس بزند.

\*\*\*

**بچه ها پاهای یکدیگر را گرفته اوسا میگوید:**

سه دبه و سه دبه

یه دبه و دو دبه

سه انار ترش و شیرین

سه سبد سیب رنگین

آهو بچرا

برده بچه را

سبوری سبور.

ای مادر گلندون

آمدی قر بدی افتادی تو قندون

هلالی زهزمه کشک و بادمجون

بقربون سرت یه خورده بجنبون.

بچه ها مشت خودشان را گره کرده رو بهم می گذارند و اوسا میگویند:

مادرم سیمین خانوم

جمجمک بلگ خزون

از کمون بلند تره

گیس داره قد کمون

گیس اوشونه میخواد

از شبق مشکی تره

حموم هر روزه میخواد.

شونه فیروزه میخواد

\*\*\*

پشگ- در بازی های دست جمعی یک دو نفر اوسا لازم است که شروع و ترتیب بازی بدست آنهاست. برای یاد گرفتن پیش از اینکه انگشتانشان را بشمرند میگویند:  
سر از من آخر از تو، یه نخود دو نخود، سه نخود، چاری چنبر، مشک و عنبر، تازی، توزی، حقاً، روزی. و یا میگویند:

کاشکی من گربه بودم، میو میو کرده بودم، یه قاب پلو خورده بودم!

\*\*\*

مثلاً در بازی گرگم بهوا، گرگ و اوسا اینطور گفتگو می کنند:

چوپون داره نمیداره،

گرگم و گله میبرم،

من نمیدم پشکلشو،

من میبرم خوب خوبشو،

دنبه من لذیذ تره،

کارد من تیز تره،

ازین وره و ازون وره!

خونه خاله از کدوم وره؟

\*\*\*

لب اشترم

اشتر اشترم

مازندرون

اشتر کجاس؟

بلگ خزون

چی چی میخوره؟

قند و شکر

چی چی میبره؟

راه گذرش، از اینطرف ازونطرف..!

\*\*\*

برای زبان بندان معلم می گویند:

مرا ببینی خر شوی  
بحق الله و صمد.

از در درائی در شوی  
سرت سبد، زبونت نم،

\*\*\*

دو بچه که از یکدیگر میرنجند یک از آنها میپرسد:

ج-خاک

س-رو زمین چیه؟

ج-حساب من و تو پاک!

در موقع آشتی میگویند:

ج-ریگ

س-رو زمین چیه؟

ج-من و تو رفیق

ج-آش

س-تو دیگ چیه

ج-من و تو داداش

\*\*\*

در موقع تهدید روی زمین خط کشیده میگویند:

اینم کلاه دو رویشون

این خط، این نشون

\*\*\*

برای اینکه حدس بزنند در دست رفیقشان چیست می گویند:

کلید و صندوقچه داره

در داره غنچه داره

درش و واکن این تو داره.

\*\*\*

خواجه رو میلش بر اونه.

یا درینه یا درونه

رمزها

ماه

قلند تو حیات جسته!

در بسته و بوم بسته

قوٹی کبریت

چهل عروس تو یه قوٹی!

چل قوٹی چلبند قوٹی

قلیان

قر قر میکند تا طبل آخر!

دالان دراز ملا باقر

نیام قداره

آقا خوابیده دراز و باریک!

دالان دراز تنگ و تاریک

موی سر

پشت کوه انداختم.

باftم، و باftم

ماهی

گل بگل انداخته

قالی لب تافته

قدرت پروردگار

خوب بهم انداخته!

### ترازو

عجایب صنعتی دیدم در این دشت  
عجایب صنعتی دیدم که شش پا و دو سم داشت  
عجایب تر از آن دیدم که یکدم در میان داشت.

### زنبور عسل

یوزپلنگ بی دم  
گشت زند بیابان  
نه جو خورده نه گندم  
نفع دهد به مردم.

### سر

پائین سنگ و بالا سنگ  
بالاش دو شمع روشن  
بالاش سریر شاهون  
بالاش دو لوله تنگ  
بالاش کمون هندی  
بالاش بازار ریسمون

### زردک

زردم، زبرم، زیر زمین معتبرم.

### انار

صندوق ملک معصوم  
لابلاش طلا کاری  
آورده به نخلسون  
دو نه هاش چو مرواری!

### پستان

یه چارک گوشت لذا  
سر او گندله مازو  
رگ و پی داره هزار  
جون ننت خوردی از او؟





بادا بادا ایشالا مبارکبادا!

آدمم و سمه کنم نیامدم وصله کنم

ایشالا مبارکبادا!

عروسی شاهونه عیش بزرگونه

ایشالا مبارکبادا!

خونه بابا نون و انجیر خونه شوهر چوب و زنجیر

ایشالا مبارکبادا!

\*\*\*

گل در این باغه سنبل در این باغه

شادوماد را بگو: عروس در این باغه

گل بدسم باقیه گل بدسم باقیه

شادوماد را بگو: چه وقت نومزد بازیه؟

\*\*\*

بادا بادا ایشالا مبارکبادا!

امشب چه شبست؟ شب وصال است

اینخانه پر از چراغ و لاله س!

\*\*\*

آمدیم باز آمدیم از خونه دوماد آمدیم:

همه ماه و همه شاه و همه چشمه بادومی،

آمدیم باز آمدیم از خونه عروس آدیم:

همه کور و هم شل و همه چشمانم نمی.

\*\*\*

عروس خاتون بیا بنشین بمجلس

بدور خود بچین نارنج و نرگس.

\*\*\*

عروسک چادر بسر کن حالا وقت رفتنه

نمیرم، من نمیرم من، خونه بابام بهتره

\*\*\*

دامبول و دیمبول نقاره

عروس چادر نداره

دوماد رفته بیاره

\*\*\*

ماد دوماد،

خیک پر باد .

مادر عروس،

بشین و بسور

\*\*\*

مادر شوور ماره

بچش مارمولک

خواهر شوور خاره

بچش خارخسک

\*\*\*

مادرم شوورم غریدونندید، من حوصله کردم

یک چارقت مشمش بسرم تیکه پاره کردم.

\*\*\*

مادر شوور غرغری

تا کی میکنی چغلی؟

سماور و وردار باقری:

گوشه حیاط نشسه باش،

مقاش بدست داشته باش

مژه تو بکن یواش یواش

کار بعروس نداشته باش

روزیکه من و دیدی

گه خوردی پسندیدی

بابام و بگی، باباتو میگم

ننم و بگی، ننت و میگم

آخر سر، یه دس خر دستت میدم!

\*\*\*

مادر شوور خنشتی

دیشب چه دردی داشتی

آفتبه ور میداشتی

دور حیاط میگشتی؟

\*\*\*

آی دلم آی کمرم

از دست مادر شوورم

بسکه غرغر میکنه،

دل و جگر مو پر میکنه.

\*\*\*

شوهرم تریاکیه،

مثال کرم خاکیه،

شب که میاد بخونه

از من میگیره بونه:

باد تو هونگ نکوفتی

زیر سیلیم و نروفتی!

\*\*\*

یراق نمیدی، طلاق میخواد  
از کوچه دو در میرم  
با لاله و فنر میرم :  
پول دارم تو قلکه.

\*\*\*

آتیش سر و کم کن،  
آواره بشه زودی،  
زنیکه تو بار کن  
آبشو زیاد کن  
یه سیخ کباب کن،  
دنبه شو آب کن!

\*\*\*

اتقدر زبون نداره.

\*\*\*

سرخ و سفید و پمه شد  
سوسک و سیا و جزغاله شد

\*\*\*

بزرگش کردم به آه و نفس

دادمش بدس خرمگس،

کنج قفس!

\*\*\*

اونجا نه جای خالس،  
برین خاله رو بیارین

\*\*\*

من بخورم یا اکبری؟

\*\*\*

هم سفره نونه

هم لنگ حمومه:

هم دور کمر می پیچه  
هم لحاف دوشش هس.

یل من یراق میخواد  
طلاق نمیدی، ددر میرم  
با کل ممد جعفر میرم  
در دم سر پولکه

تنباکو رو پر نم کن،  
مهمون بگیریه دودی،  
یه سیر گوشت دارم  
مهمونم دارم  
قوت ندارم  
چراغ ندارم

مردی که نون نداره

هر که عروس عمه شد  
هر که عروس خاله شد

پسر زائیدم به آه و هوس

خرمگس ورداشت و رفت:

هر جا نقل و نقاله اس،  
هر جا گریه و زاری اس

یه تیکه نون بربری

هم گل مگلونه

هم حسنی بسر می پیچه  
هم دخل فروشش هس

\*\*\*

نه رئیس میخوام نه کدخدا.

مال از خودم، زمین از خدا

\*\*\*

ازین فرش اطاقت  
ازین شم چراغت  
ازاین چادر تافتت  
اهه اوه، اهه اوه  
چه .... گنده داری!

ای خدا سوخته جونم:  
ازین بلبل باغت  
ازین آس سماقت  
ازین کفش شلختت.  
چه لنده لنده واری

\*\*\*

خلق خدارو نشوندم  
چه خونه ها سپردن!

یه چارک برنج جوشوندم،  
چه خوردن و چه بردن

\*\*\*

کوره نصیب ما شد!  
غوره نصیب ما شد!

دنیا باین بزرگی  
باغ باین بزرگی:

\*\*\*

سرخ و سفید سیصد تمن  
هر چه بگی میارزه.

سفید سفیدش صد تمن،  
حالا که رسید بسبزه

\*\*\*

نمدی بکول داشته باشه

سیا باشه سوخته باشه

یه خورده پول داشته باشه.

\*\*\*

بی سگ بشکار رفتم،  
شاباجی بفریادم برس.

بی اوسا بکار رفتم  
آس کشک پر عدس

\*\*\*

دیشب کی بود تو پنج دری؟  
دسمال آجیل آورده بود،  
وعده به امشبش دادم.

پری پری ور پیری  
آجیل فروش کوچمون  
آجیل رو من پشش دادم

\*\*\*

قر اومده تا زانو، آخ اوخ  
صاحب طاس و لگنم

بی بی زبیده، بانو، آخ اوخ  
زن ملا حسنم

صد کله و صد پاچه و صد دیگ پلو مزه کردم

هنوز صبح نشده ناشتا می گردم.

\*\*\*

دماغ داره نواله

دهن داره چو گاله

ابرو نداره هیچی .

چشما داره نخوچی ،

\*\*\*

دماغ داره قلمچه

دهن داره چو غنچه

ابرو داره کمونچه.

چشما داره بادومچه

\*\*\*

شراب ما دوغ بی نمک

بیا بریم باغ پودو نک

دلبر ما فاطمه کرک !

کباب ما نون و جیگرک

\*\*\*

دشمن مال مفته.

سید آل کوفته

\*\*\*

ته دیگ و آبگوشت و تر حلوا ،

پلو چلو مسما

ته دیگ و زود بیاور

ای آشپز دلاور

ته دیگ هنوز نبسه.

ای خانم دلخسه

\*\*\*

بالای اطاق خوابیده

شبابجی خانم زائیده

هسه هلو ساییده

ما باجی خانم رسیده

قیچی و ماماچه ات کو؟

شا باجی خانم بچه ات کو ؟

اسمش خداداد بود.

بچه نبود باد بود

\*\*\*

مردنت امساله

فالت فاله

قبر کنت خرچنگاله!

کفنت پوس شغاله

\*\*\*

قبای میخکی رنگ میکنم رنگ،

سر کوه بلند جنگ میکنم جنگ

دلم از درد و دو خالی نمیشه،

قبای میخکی آبی نمیشه،

خودم رنگ میکنم یارم بیوشه.

الهی رنگرز رنگت نجوشه

\*\*\*

دل هادم، دل ها گیدم بنده  
گردیدم،

باباش خانومجان!

چون او بیای گل ورا کرده  
گردیدم،

باباش خانومجان. (۱)

\*\*\*

و الله بخدا کاری نکردم.  
گوشه نشینم.

هالوک مردم، کره مردم  
زنجیر بگردن

هر وله، هر وله بيملووه،  
زرد هوچه وقت خووه؟

\*\*\*

کاریکه چش میکوند، ابرو نمیکوند.

سگ استخوان سوخته را بو نمیکند،

\*\*\*

کفدر پرونی یار  
خوب میپرونی یار.

بالای بونی یار  
شستت بنازم ای صنم

\*\*\*

ابروت کمنده  
خال سمنده.

بالات بلنده  
میان هر دو ابرووت

\*\*\*

صد جفا کنی من وفادارم  
از حال دلم چه خبر داری؟  
یارم نیومد، دلم میسوزه.

اگر یار منی من همون یارم  
دسمال حریر تو بدس داری  
امروز دو روزه، فردا سه روزه

\*\*\*

یارم لب بون اومد،  
نازک بود و خون اومد،  
یه دسه گل در اومد،  
پر پر شد و ور اومد،  
کفتر شد و هوا رفت،

دیشب که بارون اومد،  
رفتم لبش ببوسم،  
خونش چکید تو باغچه  
رفتم گلش بچینم،  
رفتم پر پر بگیرم،

(۱) دل دادم و دل گرفتم و بنده شدم

چون آب بیای گل پراکنده شدم.

آهو شد و صحرا رفت ،  
ماهی شد و دریا رفت !

رفتم کفتر بگیرم  
رفتم آهو بگیرم

\*\*\*

چهار کله بز میدوشه،  
زرگر پایش نشسه  
دیدم خانم چادر سرا

یه دیگ دارم چهار گوشه  
حلقه دیگم شیکسه  
رفتم بازار زرگرا

گفتم: خانم خونت کجاس؟

پشت خونمون آب روونه،  
بچه هام تو مدیخ باشه.

گفت: خونمون خیابونه  
وقتی بیا که وقت باشه

\*\*\*

صد و پنجاه تمن دادم جریمه

سکینه مست و من مست سکینه

برای خاطر موی سکینه.

که پس از من اگر یار بی وفا بود، فلک ای داد!

چه پر جور و جفا بود، فلک ای داد

های دلی، دلی ، آخ از دل من ،

دل هیچ کافری و هیچ بت پرستی،

نشد مثل دل دیوانه من، فلک ای داد

چه پر جور و جفائی، فلک ای داد . . !

\*\*\*

اشتر بچراست در بلندی

کله اش بمثال کله قندی

گوشش بمثال بادبزند و کله قندی،

ابروش بمثال تیر کمند و بادبزند و کله قندی،

چشمش بمثال دوربینند و تیر کمند و بادبزند و کله قندی،

دماغش بمثال دودکشند و دوربینند و تیر کمند و بادبزند و کله قندی،

دهنش بمثال غاز غلند و دودکشند و دوربینند و تیر کمند و بادبزند و کله قندی،

دندونش بمثال خاکند و غاز غلند و دودکشند و دوربینند و تیر کمند و بادبزند و کله قندی،

سینش بمثال لخته سنگ و خاکند و غاز غلند و دودکشند و دوربینند و تیر کمند و بادبزند

و کله قندی،



شکمش بمثال طبل جنگ و لخته سنگ و خاکنند و غاز غلند و دودکشند و دوربینند و تیر  
کمند و بادبزند و کله قندی،

پاهش بمثال چارپایند و طبل جنگ و لخته سنگ و خاکنند و غاز غلند و دودکشند و  
دوربینند و تیر کمند و بادبزند و کله قندی،

\*\*\*

ای سال برنگردی  
بمردمان چه کردی:

زنهارو شلخته کردی  
دکونها رو تخته کردی

ای سال برنگردی.

\*\*\*

شاه کج کلاه  
رفته کربلا

نون شده گرون  
یه من یه قرون

ما شدیم اسیر  
از دس وزیر.

\*\*\*

ای سلی جانم، سلی جانم، سلی  
آخر نچیدم ز وصالت گلی،

این ور بازار دویدم  
اون ور بازار دویدم،

پیرهن طوری خریدم  
بتن سلی ندیدم

ای سلی جانم، سلی جانم، سلی....  
آخر نچیدم ز وصالت گلی ...

\*\*\*

تو بودی که پارک میساختی  
سر در و لاک میساختی؟

زرمدی قرمه سبزی..

\*\*\*

میرزا رضای رشیدم  
واست کوفته کشیدم.

نیامدی سر کشیدم.

\*\*\*

دیزی بازاری شوره  
چشم مستبد کوره

\*\*\*

ممدعلیشا قرت کو؟  
توپ شنیدرت کو؟

\*\*\*

آقای سردار مرد زرنکه  
ده تیر کاشون کار فرنگه

از تهرون میگن چوندار مییاد ایشالا دروغه

\*\*\*

سوسک سیاه پر دار  
کی ..... سپهدار  
ممدعلی‌شا تو ور دار.

\*\*\*

بین بدارش زدن،  
آتیش بمالش زدن!

\*\*\*

رئیس بابیها عباس افندی  
افتاد تو خلا چرا نمیخندی؟

\*\*\*

سیراب و شیردون و نگاری  
بافوری غیرت نداری.

\*\*\*

ای عرق خورها  
عرق شده گرون  
بطری سه قرون  
ما نمیخوریم.

\*\*\*

سگ آبی اومده  
سگ درنده اومده  
خانم نقابی اومده  
خانم رو بنده اومده.

\*\*\*

خانوم شلخته  
آقای تمیز  
بدری کوتوله  
نخوری به تخته،  
نخوری بمیز،  
نخوری به لوله.

\*\*\*

میخواهی عدس بیاورم ،  
دیدیکه عدس آوردم،  
میخواهی لبو بیارم،  
دیدیکه لبو آوردم،  
تو رو بهوس بیاورم؟  
تو رو بهوس آوردم؟  
سر تو هوو بیارم؟  
سر تو هوو آوردم؟

\*\*\*

بشکن،  
اینجا تهرونه، بشکن  
برای تاجرا بشکن  
من نمیشکنم - بشکن  
قر فراوونه، بشکن  
روی آجرها بشکن.

\*\*\*

روزگاری بسر پست آژان مس کردم

دست به هفت تیر زدم، هفتا فشنگ در کردم

آژان راسه بازار سوت زد آمد به جلو:

تو عرق خوری، مس کردی، بیفت جلو.

\*\*\*

تو لاله زار - چه چه ،

آفتی فکل - چه چه ،

تو کاسه آب - چه چه ،

سنار سیرابی - چه چه ،

ته سیگار داری؟ - چه چه .

\*\*\*

غلاغه به خونش نرسید.

قصه ما بسر رسید

تهران - ۱۳۱۰